

اینکه رهبران سازمان ها و احزاب چپ در مهاجرت ناچار به پاسخگویی درباره اشتباهاتشان در ارتباط با مشی "تحریم" شده اند، یک قدم به پیش است، اما این موفقیت را باید تا سطح تغییر سیاست های نادرست ارتقاء داد!

رهبرانی که باید پاسخ بدهند!

بحث‌ها پیرامون انتخابات اخیر ریاست جمهوری بتدریج می‌رود تا پیش از تاثیر گذاری جدی بر سیاست‌ها و برداشت‌هایی که منجر به مشی "تحریم" شد، از صفحات نشریات چپ مهاجر ایران حذف شود. این امر البته یک پدیده منفی است، اما اینکه شکست مشی تحریم انتخابات برخی رهبران سازمان‌ها را سرانجام ناچار به پاسخگویی به اعضا و وابستگان خود کرد، خود یک گام مثبت بود. این بحث‌ها موجب شد، تا علاوه بر جلب توجه بیشتر اعضا و وابستگان این سازمان‌ها به مسائل داخل کشور، رهبران آنها نیز، از این پس با احساس مسئولیت بیشتری نسبت به رویدادهای ایران سخن بگویند و یا اطلاعیه و اعلامیه صادر کنند!

البته دایره این بحث‌ها و پاسخگویی‌ها در نشریات چپ یکسان نبود و نیست، که این امر را شاید بتوان ناشی از میزان انفعال در میان اعضای این احزاب و سازمان‌ها و همچنین محدوده مناسبات دمکراتیک در درون آنها ارزیابی کرد.

اینکه مبتکران یک سیاست نادرست، بهر تقدیر، ناگزیر شوند حساب عملکرد و گفته‌ها و مواضع خود را باز پس بدهند، خود یک موفقیت است، که با توجه به وضعیت کنونی اپوزیسیون چپ خارج از کشور، کم اهمیت نیست. امروز انواع صاحب‌نظر، سازمان‌ها، احزاب، گروه‌ها، رهبران و شخصیت‌ها وجود دارند، که در ارتباط با ارزیابی اوضاع ایران در سال‌های گذشته، کم به بیراهه نرفته‌اند. اکثریت قریب به اتفاق آنها، تا کنون بر این تصور بودند، که به هیچکس پاسخگو نیستند و گویا در "قانون اساسی" سازمان و حزب آنها رهبران میرا از مسئولیت شناخته شده‌اند و به هیچکس در مقابل هیچ چیز پاسخگو نیستند. البته اینها کسانی هستند که از مافوق قانون بودن ولی فقیه هم انتقاد دارند و آنرا سد راه هر تحوولی تحلیل می‌کنند و مدعی مبارزه در راه برپیده تمام نهادهای "ضد دمکراتیک" در جمهوری اسلامی نیز هستند!

مرور دوباره و گذرای مجموعه بحث‌ها و مصاحبه‌هایی که در ارتباط با نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در نشریات چپ منتشر شده، نشان می‌دهد، که سطح بحث‌ها در خارج از کشور، با آنکه بطور منطقی باید بر محور اشتباهات متمرکز می‌شد، اغلب در حصار دفاع از خود و اشتباهات خویش باقی ماند. تردید نیست، که جسارت در پذیرش اشتباهات و تصحیح صریح آنها، نه تنها نیازمند منشی انقلابی است، بلکه به اطلاع کافی از اوضاع ایران نیز نیازمند است، که بخشی از مشکل را باید در این عرصه نیز جستجو کرد! این بحث‌ها، در عین حال آشکارا نشان داد، که تحول در اپوزیسیون چپ، در مجموع خود و بویژه در اپوزیسیون چپ مهاجر به همان اندازه دشوار است که در حکومت چپ.

بازندگان انتخابات در داخل کشور نیز از اندیشه‌ها، تحمیلات و به خدمت گرفتن همه وسائل برای حفظ موقعیت خود صرف‌نظر نکرده و نخواهند کرد. گویا برای تحول در هر دو سوی مرزهای میهن ما، راهی نیست جز علنیت، آزادی و آگاهی!

اما آنچه که مربوط به حزب توده ایران می‌شود:

راه توده از بدو انتشار خود، راه "علنیت" را برگزید و به این راه ادامه داده است و به این راه وفادار نیز باقی خواهد ماند. بودند کسانی که پس از پایان انتظار عجولانه‌شان برای تعطیل شدن سریع "راه توده" - پس از چند شماره - با تمام وزن و اعتبار خود علیه حضور آن وارد میدان شدند و گزینش این راه و اصول انتشار راه توده را "تضعیف" حزب توده ایران معرفی کردند. درک این اشخاص از حزب "توسی" حزبی بود و هست، در خود فرو رفته، با اعضا و

هوادارانی معلود و بی‌خبر که تنها وظیفه آنها ستایش ادعاها و تائید و کف زدن برای رهبرانی است که خود را بر فراز سر همگان تصور کرده و پاسخگویی کسی نیستند! درکی از حزب، که با تمام تاریخ حزب توده ایران مغایر است. * سرانجام این نوع "تقویت" حزب در مهاجرت و سرانجام بی‌اعتنایی به نظرات و دیدگاه‌های دیگر توده‌ای‌ها، امروز و بر اثر سیاست سراپا اشتباه "تحریم"، که نتیجه مستقیم شعار بی‌سرو ته "طرد ولایت فقیه" است، در برابر چشمان همه ماست: جدا ماندن از جنبش، قبول انفعال، رو در رو قرار گرفتن با درک و عمل توده‌ای‌ها در داخل کشور، ادامه مقاومت در برابر واقعیات، مصاحبه‌های توجیهی با خویش و سرانجام تحریف و سانسور اخبار و رویدادهای داخل کشور و یا مربوط به داخل کشور در "نامه مردم"!

همین خودسری و بی‌اعتنایی به نظرات، توصیه‌ها و هشدار باش‌ها که می‌توانست بموقع خود در تصحیح مشی و سیاست‌های انفعالی نقش ایفاء کند و موجب فاصله‌گیری از ورطه "تحریم" شود، موجب شد تا بنام حزب "تحریم انقلابی" اعلام شود. حزبی که با تمام وزن و اعتبارش در انقلاب بهمن ۵۷ و سال‌های پس از انقلاب شرکت داشته، علمی‌ترین و دقیق‌ترین ارزیابی‌ها را از اوضاع ایران و جمهوری اسلامی عرضه داشته و سرنوشت این انقلاب برایش به هیچ وجه بی‌تفاوت نیست!

در چنین شرایطی است که اعضا و هواداران احزاب و سازمان‌های چپ و بویژه توده‌ای‌ها، حق دارند از مدعیان مبارزه برای دمکراسی، ضدیت با دیکتاتوری و طرد "ولایت فقیه" سوال کنند:

واقعاً رهبر و یا رهبرانی که اعضای سازمان و حزب خود را بیگانه و نامحرم تلقی می‌کنند، چگونه می‌توانند به مردم اعتماد کنند و متقابلاً اعتماد مردم را جلب کنند؟ سازمان و حزبی که رهبران آن پاسخگویی اعضای خود نباشند، چگونه خواهند توانست پاسخگویی مردم باشند؟ و در راه آزادی همه جامعه مبارزه نمایند؟

در این تردید نیست، که علنیت، داشتن مواضع صریح و اعلام صریح و بی‌پرده اشتباهات هرگز مغایر انقلابی بودن نیست، بر عکس، امروز بیش از هر زمان دیگر لازمه انقلابی بودن است.

آنچه که مربوط به "راه توده" می‌شود، آنست که ما تا آنجا که در توان داشته باشیم، خواهیم کوشید تا همزمان با انعکاس رویدادهای داخل کشور، دیدگاه‌های خود پیرامون این رویدادها را نیز منعکس کنیم، تا این امکان را برای اعضا و هواداران حزب توده ایران و همچنین دیگر احزاب و سازمان‌های چپ قرار دهیم، تا خود ببینند، بیاندیشند، مقایسه کنند و تصمیم بگیرند و جهت مبارزه خود را برگزینند. این راه، راه علنیت و آزادی است و ما یقین داریم که مبارزان اصیل انقلابی ایران و بویژه همه توده‌ای‌ها این راه را بر همه کوره راه‌هایی که در برابر آنها نهاده و می‌نهند، برتری خواهند داد.

پی‌نویس‌ها:

* نه تنها در دوران مهاجرت گذشته بحث‌های بسیار جدی پیرامون رویدادهایی نظیر اصلاحات ارضی، دولت امینی، رویدادهای انقلابی سال‌های ۵۶ و ۵۷ و... در سطح حزب، مرکزیت حزب و نشریات حزبی، نظیر "دنیا" بصورت علنی ادامه یافت، بلکه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب و فعالیت علنی حزب توده ایران در داخل کشور نیز، نظراتی که در برخی عرصه‌ها با سیاست رسمی حزب مغایر بود، نه تنها تحمل شد، بلکه به بحث نیز گذاشته شد. مطالعه و نظرخواهی پیرامون دیدگاه‌های زنده یاد "رفعت محمدزاده" (اخگر) در پلنوم وسیع هفدهم نمونه‌ای بارز در این مورد است. این در حالی بود که وی عضویت دفتر سیاسی حزب را داشت! نمونه دیگر، مسئولیت‌هایی بود که "بابک امیرخروی" در سال‌های پس از پیروزی انقلاب و حضور در داخل کشور برعهده داشت! در حالیکه دیدگاه‌های او بر هیچیک از مسئولین و رهبران حزب پنهان نبود، اما اساس و محور در حزب توده ایران این نبود، که هر کس با من نیست، پس با حزب نیست و باید طردش کرد! و یا اگر کسی درباره این موضع و یا آن نظر و دیدگاه حزب پیرامون فلان رویداد نظری دیگر دارد، باید به هر قیمت - حتی با انواع تهمت‌های سخیف و ناجوانمردانه - حذف کرد.

* نمونه‌هایی از این تحریف و سانسور در ارتباط با مصاحبه محمد سلامتی، دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های این سازمان درباره برنامه اقتصادی "تعدیل اقتصادی" در "نامه مردم"، در شماره‌های ۶۴ و ۶۵ راه توده منتشر شده است. در ادامه همین سانسور و سیاست است، که حتی نظرات و دیدگاه‌های احزاب کمونیستی نظیر حزب کمونیست آمریکا و فرانسه پیرامون انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ایران جانی در "نامه مردم" نمی‌یابد، تا خوانندگان "نامه مردم" ندانند چه می‌گذرد. ظاهراً دلیل این سانسور و تحریف را باید در مغایرت این دیدگاه‌ها با برداشت‌ها و نوشته‌ها و ادعاهای نویسندگان و اداره‌کنندگان "نامه مردم" در سال‌های اخیر جستجو کرد! راه توده برخی دیدگاه‌های احزاب برادر را در شماره ۶۵ منتشر ساخته است، که علاقمندان می‌توانند به آن مراجعه کنند!